



اتیه‌نو

AT I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
سر دبیر: اکبر هاشمی
معاون سر دبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی
صفحه‌آرایی: حمید ابراهیمی
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
تحریریه: نسرين ظهیری، فاطمه علی‌اصغر
صدرا محقق، امین جلالوند، مسعودشاه‌حسینی
حامد رسولی، مرزقی کریمی، مجتبی کاوه
پریسا امام‌وردیلو، بهاره اسلامی و...
با تشکر از: بیژن رضانسی، ابراهیم باقری،
صولت فروتن
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۰۶-۸۸۵۱۷۰۸۵
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۰۹۱-۸۸۵۱۷۰۸۵
ناظر چاپ: علی توتونی



«زیر پوست شهر - ۱۵۹»

«نسرین ظهیری»

دم خروس پرورشی!

پدرها خسته‌اند، خستگی‌شان را بواشکی قایم کرده‌اند توی کت‌های مرتب‌شان. مادرها نگرانند. نگرانی‌شان را پیچیده‌اند توی دست‌هایشان و مدام آن‌ها را فشار می‌دهند. جلسه اولیا و مربیان دارد خوب پیش می‌رود. صندلی‌ها پُر شده‌اند. پدر و مادرها میانسال و سرحال به نظر می‌رسند. مدیر مدرسه که شروع می‌کند، انگار تلویزیون را روشن کرده باشی، با ادبیات مجری‌های تلویزیون حرف می‌زند. قوانین را یکی یکی تذکر می‌دهد، در جمله‌های تکراری و ریتم یکنواخت. مادر کناردستی حوصله‌اش تمام شده، بی‌آنکه مخاطب داشته باشد زیر لب می‌گوید: «خدا به داد بچه‌ها مون برسه حتما صبح‌ها سر صف، کلاشون رو می‌خوره.» مادرها از لباس بچه‌ها گله دارند که چرا تمام نخ می‌نویسند. مدیر می‌گوید: «سرهائیتان از درودیوار میرن بالا، لباس نخ می‌یک روز هم توی نشان سالم نمی‌ماند.»

نوبت به آقای مشاور رسیده، آقای مشاور میانسال است و کت‌آبی ملیح پوشیده و پُرشور حرف می‌زند. وسط حرف‌ها و نصیحت‌هایش به التماس کردن هم می‌رسد به آنجا که: «تورو خدا این قدر به بچه‌ها سخت نگیرید. گرم که شما فشار آوردید و این‌ها رفتند رشته دلخواه توی دانشگاه خوب. اما مطمئن باشید نمی‌توانند خوب زندگی کنند. بگذارید در رشته دلخواه‌شان تحصیل کنند. این قدر دکتر نسازید و مهندس مهندس نکنید. به خدا بیشتر فارغ‌التحصیل‌ها بیکارند. این قدر کتاب‌های کمک‌آموزشی نریزید رو سر این پسرهای بیچاره. بذارید نوجوانی کنند. بذارید نفس بکشند.» بعد آقای مشاور پوشه‌ای را باز می‌کند و نامه پسرهای چهارده، پانزده ساله را رو می‌کند. مشاور از بچه‌ها خواسته که با پدر و مادرهایشان توی چند جمله حرف بزنند. مشاور می‌سر تکان می‌دهد و می‌خواند: «تورو خدا به مامانم بگویند بذاره پاپی استیشن فور بیشتر بازی کنیم.» «پهشون بگید دست از سرم بردارن، نمی‌خوام برم کلاس زبان.» «باباجونم تورو خدا شب این قدر دیر نیا... دلخوری پسرهای نوجوان تمامی ندارد در نامه‌ها. انگار کسی مدام توی دنیایشان دست برده. جلسه، تمام می‌شود. آقای مدیر همین طور که والدین سالان را ترک می‌کنند، چند بار تکرار می‌کند که کتاب‌های کمک‌آموزشی موجود است اگر خواستید تهیه کنید. مادر پشت سری همچنان با خودش حرف می‌زند: «قسم حضرت عباس‌تون رو باور کنیم یادم خروس رو آقای مدیر!...»

اولین اکران فیلم مستند «بمب ساعتی»

اولین اکران فیلم مستند «بمب ساعتی» روز دوشنبه سی مهر ماه از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در سالن هفده شهریور وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار می‌شود. این مستند که به موضوع بحران صندوق‌های بازنشستگی می‌پردازد توسط معاونت رفاه اجتماعی وزارت کار با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ساخته شده است. این مستند با استفاده از مطالعات و تجربیات داخلی و بین‌المللی، روایتی از تاریخچه به وجود آمدن صندوق‌های بازنشستگی در ایران و مشکلات گذشته و امروز این صندوق‌ها با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی به مخاطب ارائه می‌کند. نویسنده، پژوهشگر و کارگردان این مستند ۵۵ دقیقه‌ای، کمیل سوهانی و حسین خداپرست هستند.

پایتاوت

جایی برای حرف‌های خودمانی

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد و چهار

A T I V E H N O

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

ترامپ، افراد خودش رو خاشقجی!



«هشتنگ»

«صدرا محقق»

کاربری به نام «رسول» نیز از عواقب این اتفاق برای محمد بن سلمان گفت: «بن سلمان انتخاب شد تا با اصلاحات، عربستان را از مرگ تدریجی نجات دهد، اما در دام وهابیون افتاد و با حذف مخالفان، روی لبه تاریک حکومت قدم نهاد و سیاست‌های اشتباهش در منطقه و مقابل ایران، حلقه حاکمیتش را کوچک و خودش را منزوی کرد و دستور به قتل خاشقجی پایانی بود بر رویاهايش.» در این بین واکنش محتاطانه آمریکا نسبت به قتل این روزنامه‌نگار سعودی نیز واکنش‌های بسیاری را در پی داشت.

«محمد علی ابطحی» در خصوص عکس‌العمل ترامپ در مواجهه با اتفاقاتی از این دست، نوشت: «منطق ترامپ در مورد خاشقجی جوهر وجودی ترامپ است؛ سلاح به قاتل می‌فروشیم تا آمریکا آسیب نبیند، پول سعودی را عشق است.

حقوق بشر کیلو چند؟ ابزار آشنای نیروهای خودسر هم برای رفع گرفتاری حکومت‌هاست. در این مورد کاری می‌کنند که هم آمریکا، سعودی را بدوشد و هم حقوق بشر آمریکایی لطمه نخورد.» کاربری به نام «فانزه» نیز در خصوص سیاست آمریکا در ماجرای قتل جمال خاشقجی، این طور نوشت: «آنچه در

خبرهای مربوط به جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی و از منتقدان «محمد بن سلمان» که چندی پیش، پس از ورود به ساختمان کنسولگری عربستان در استانبول ناپدید شده بود، در هفته‌های اخیر در راس اخبار رسانه‌های ایران و جهان قرار گرفته است. در روزهای گذشته نیز انتشار خبرهای متعددی مبنی بر به قتل رسیدن خاشقجی در سفارت عربستان، سرنوشت این روزنامه‌نگار عربستانی ساکن ترکیه را به بحث داغ شبکه‌های اجتماعی تبدیل کرده است. «محمد علی آهنگران» که معتقد است، ماجرای قتل خاشقجی به یک جنگ قدرت داخلی در عربستان برمی‌گردد، در این رابطه نوشت: «قتل خاشقجی پیش از آنکه حذف یک روزنامه‌نگار معترض به سیاست‌های ولعهد سعودی باشد، یک تسویه‌حساب درون‌سازمانی در دستگاه امنیتی عربستان است. ریسک کشتن یک فرد سرشناس در یک مکان دیپلماتیک آن هم به طرز فجیع، صرفا برای زهر چشم گرفتن و حذف یک جریان موثر در جنگ قدرت داخلی عربستان معنا می‌یابد.»



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

نیم قرن تلاش
همت و بالندگی در صنعت فولاد کشور

برای اولین بار در کشور

تولید تیر آهن H30

تولید ریل UIC60

برای اولین بار در کشور

کیفیت ریل صد در صد منطبق با استاندارد
DIN EN13674-2011

با اطمینان بسازید

دفتر فروش: اصفهان، ابتدای بلوار سعدی، مقابل پل مارنان، پلاک ۱۷۸
مدیریت بازاریابی
دورنگار: ۰۳۱ ۵۲۵۷۸۸۴۱
www.esfahansteel.com

روابط عمومی: تلفن: ۰۳۱ ۵۲۵۷۳۴۱۵
دورنگار: ۰۳۱ ۵۲۵۷۸۸۴۱
www.esfahansteel.com



به دنبال خوشبختی



«ساختمان نیمه کاره - ۱۵۵»

«مسعود مشایخی»

گاهی برخی از ما آدم‌ها، با چنان سرعتی به دنبال خوشبختی می‌دویم که وقتی به خودمان می‌آییم از آن رد شده‌ایم. تا بخواهیم بایستیم و عقب‌گرد کنیم و به آن برسیم، روزها و فرصت‌های زیادی از دست داده‌ایم. شاید بارها این تسلسل ادامه داشته باشد. دور باطلی که باعث می‌شود، دیگر هیچ‌گاه رنگ خوشی و آرامش را نبینیم. دوست کارگرم‌ان اکبر، مصداق بارز همین نمونه افراد بود. زن خوب، بچه‌های سر به راه و زندگی راحت و آرام داشت. خیلی تلاش می‌کرد زندگی‌اش بهتر از گذشته باشد. روزها کارگری می‌کرد و شب‌ها هم جایی نگهبان ساختمانی بود و درآمد خوبی داشت. خستگی کار و بی‌خوابی شبانه، باعث شد که به سمت مصرف مواد مخدر کشیده شود. مدتی بعد دیگر توان کار کردن را هم نداشت. حتی پول‌ها و درآمد همسرش را که از راه خیالپزی کردن به دست می‌آورد دود می‌کرد. بالاخره کاسه صبر همسرش لبریز شد و از او جدا شد. بعد از چندین سال در به‌داری و خانه به‌دوشی، اکبر بالاخره اعتیادش را ترک کرد، اما هنوز آن آدم سابق نشده. آدمی که از صبح تا شب، کار می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد اما این روزها دور ساختمان‌های نیمه‌کاره می‌گردد تا کار سبکی به او بدهند. حاج‌علی، اما دلش برای او می‌سوزد. مدتی است که او را به ساختمان ما آورده اما کارهای سنگین به او نمی‌دهد. روزها مشغول جابه‌جا کردن مصالح کوچک و سبک است. امثال اکبر در جامعه ما زیاد هستند. آدم‌هایی که قدر داشته‌هایشان را نمی‌دانند. وقتی داشته‌های آدم از پنداشته‌هایش کمتر باشد چنین اتفاقات ناخوشایند و خانمان‌براندازی در زندگی‌شان می‌افتد. امیدوارم اکبر هرچه زودتر همان آدم سابق شود. کم‌کم داریم به ایام اربعین باز می‌گردیم. می‌شویم، مثل سال‌های قبل. ثبت‌نام کاروان‌های پیاده‌روی اربعین بازارشان داغ شده. افراد زیادی برای پیاده‌رفتن به کربلا ثبت‌نام می‌کنند. بچه‌های ساختمان ما هم چند نفرشان عازم کربلا شده‌اند. رضا و امیر، پدر و پسر ساختمان ما، به اتفاق همدیگر به کربلا مشرف شدند. بچه‌های دیگری هم هستند که دارند کارهای پایانی رفتنشان را انجام می‌دهند تا راهی این سفر معنوی شوند. نبود دوستان باعث شده این روزها بیشتر از گذشته کار کنیم تا غیبت آن‌ها احساس نشود و کارها به‌موقع تحویل داده شود. دوست کارگرم‌ان محمدامین، دو سال قبل در همین ایام، راهی سفر کربلا شده بود. این روزها یاد خاطرات سفرش می‌افتد. هر روز از تجربه‌ها و شیرینی‌های کربلایی شدنش می‌گوید. اینکه خیلی دوست دارد دوباره راهی آن دیار مقدس شود. اما حالا دیگر مثل سابق نمی‌تواند کارش را رها کند و برود. به امید خدا برای سال آینده برنامه‌ریزی می‌کنیم تا او را دوباره به آرزویش برسانیم.